

Andishe.e-Taqrib.44	اندیشه تقریب
Vol. 18, No. 1, Spring 2023	سال هجدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۲، پیاپی ۴۴
P. 109-128	ص ۱۰۹-۱۲۸

## بررسی فقهی و اخلاقی استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

دکتر حامد رستمی نجف‌آبادی (نویسنده مسئول)<sup>۱</sup>

سید محمدرضا مرتضوی<sup>۲</sup>

### چکیده

جنگ‌افزارهای کشتار جمعی تهدید جدی نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی است که برای مقابله با آن در اسناد بین‌المللی، قوانینی به تصویب رسیده است. در این میان بررسی فقهی و اخلاقی تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی از منظر حقوق بین‌الملل اسلام به دلیل حساسیت‌های موجود حائز اهمیت می‌باشد.

ادله قرآنی، روایی، عقل و اجماع تولید و کاربرد تسلیحات کشتار جمعی را منع کرده است؛ لذا در این نوشتار ضمن بررسی مباحثی چون عدالت، حق حیات، کرامت انسانی به عنوان مبانی صدور حکم، به بررسی آیات و روایات که از جمله مهم‌ترین ادله صدور حکم در خصوص مباحثی نظیر سلاح‌های هسته‌ای است؛ پرداخته می‌شود. مضافاً این‌که اصول و قواعد اسلامی هم‌چون تناسب میزان سلاح با جهاد، قواعد قرآنی نهی از سعی در افساد، منع از نزدیک شدن به اتم و قاعده وزر؛ حکومت اسلامی را از تولید و استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای منع می‌کند. **واژگان کلیدی:** جنگ‌افزار، کشتار جمعی، سلاح هسته‌ای، فقه اسلامی، کرامت انسانی.

۱. عضو هیئت علمی گروه فقه و حقوق امامیه دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی تهران (نویسنده مسئول).

hamedrostami@mazaheb.ac.ir ، ۰۹۱۳۲۳۳۳۴۰۱

۲. معاون بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

## مقدمه

تولید و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای از جمله تهدیدات جوامع انسانی در عصر حاضر محسوب می‌شود که می‌تواند جان انسان‌های زیادی را گرفته و تا سال‌ها آثار مخرب و تأثیر در نسل‌های بشری از خود به جای گذارد و همزیستی مسالمت‌آمیز افراد را در جوامع بشری تهدید جدی کرده و صلح جهانی را به مخاطره اندازد؛ به این دلیل در زمره جرایم عمده و کلان علیه انسانیت محسوب می‌شود. بمباران‌های شیمیایی مردم بی‌گناه و فروریختن بمب بر خانه‌های مسکونی، کشتارهای دسته‌جمعی، همه نشان از جرایمی هستند که از طرفی می‌توانند به دلیل برخورد با وجدان جامعه بشری موضوع بحث‌های اخلاقی و عاطفی باشند و از طرف دیگر به واسطه قرار گرفتن در محدوده فقه و حقوق اسلامی موضوع تحلیل‌های حقوقی و بین‌المللی نیز قرار گیرد، که در فقه اسلامی بدان پرداخته شده و مبنای صدور فتاوی فقهاء بوده است. توجه به این‌گونه جرایم با دقت در این نکته که انسانیت و کرامت انسانی را در مفهوم شناخت عام بشری مورد آسیب و خدشه قرار می‌دهد؛ حائز اهمیت وافر است. لذا این نوشتار به روش توصیفی-تحلیلی و روش جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای؛ در صدد پاسخ‌گویی به این سئوالات است که: مبنای فقهی و اخلاقی حکم تولید و استفاده از این سلاح‌ها چیست؟ ادله حرمت استفاده از این سلاح‌ها کدام‌ها هستند؟ لذا به دلیل ویژگی‌های خاص تسلیحات کشتار جمعی، لازم است نخست در کنار مباحث مفهوم‌شناختی، مبانی و ادله به‌کارگیری این سلاح‌ها، مورد واکاوی فقهی و اخلاقی قرار گیرد؛ که این نوشتار درصدد تبیین و واکاوی آن است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### جنگ‌افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

اصطلاح «سلاح‌های کشتار جمعی» برای نخستین بار در ۲۸ دسامبر ۱۹۳۷ در گزارش یک خبرنگار در روزنامه تایمز و در قالب توصیف وضعیت ویرانی‌های ناشی از بمباران شهر گرنیکا ابداع شد. در ادبیات حقوق خلع سلاح نیز این اصطلاح، مترادف سلاح‌های نامتعارف تلقی می‌شود. (ساعد، ۱۳۸۶، ص ۴۳). بعدها در سال ۱۹۴۸، عبارت «تسلیحات کشتار جمعی» در یکی از اسناد کمیسیون «تسلیحات نوع متعارف» به کار رفت و از آن پس رواج گسترده‌ای یافت.

جنگ افزارها و سلاح‌های کشتار جمعی، سلاح‌هایی هستند که هنگام به‌کارگیری آن‌ها برای اهداف نظامی و کشتار گروهی انسان‌ها به غیر نظامیان هم آسیب وارد می‌کنند و یا موجب تخریب و تغییر محیط‌زیست می‌شوند و این آسیب رساندن و تغییر محیط‌زیست برگشت‌ناپذیر است (به وضع اولیه بر نمی‌گردد). به بیان دیگر سلاح‌های کشتار جمعی سلاح‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از راه تخریب محیط‌زیست یا تخریب سازه‌های ساخت بشر به گروه‌های انسانی آسیب می‌رسانند و این آسیب رساندن برگشت‌ناپذیر است (قابل ترمیم و بهبود به وضع اولیه نیست) یا به کشتار گروهی انسان‌ها منجر می‌شوند و نمی‌توان در کاربرد این سلاح‌ها و آسیب‌رسانی آن‌ها میان نظامیان و غیر نظامیان تمکیک کرد؛ به گونه‌ای که هرگاه از این سلاح‌ها استفاده می‌شود در کنار نظامیان، شمار بسیاری از غیر نظامیان هم دچار کشتار و یا آسیب می‌شوند. (عبدی و هاشمی، ۱۳۹۷، ص ۷۲۰).

سلاح هسته‌ای نیز جنگ‌افزارهایی هستند که در آن‌ها از انرژی حاصل از شکافت یا گداخت هسته‌ای برای تخریب و کشتار استفاده می‌شود.

#### تهدید فوق‌العاده

در زمینه تعریف تسلیحات کشتار جمعی وحدت نظر میان صاحب‌نظران نظامی وجود ندارد با این وجود ویژگی «تهدید فوق‌العاده» برای حیات بشر و سایر جانداران، مدنظر عموم ایشان قرار گرفته است. بر همین اساس، سلاح‌های کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، باکتریولوژیک و شیمیایی است که معیارهایی که برای تشخیص این سلاح‌ها از سایر تسلیحات مطرح است قدرت تخریبی بالای این سلاح‌ها است، که به دلیل ماهیت مواد به کار گرفته شده در این سلاح‌ها، تعیین شعاع کمی و کیفی برای آن‌ها کار دشواری است و از این منظر، فاصله‌ای فاحش میان این دسته از تسلیحات با سلاح‌های نوع متعارف وجود دارد و معیار دیگر اهداف به‌کارگیری آن‌ها است که ماهیت به‌کارگیری آن‌ها جز به منظور انهدام و کشتار وسیع نیست و آثار مخربشان، چنان است که نمی‌توانند به اهداف معینی محدود شوند.

#### کرامت انسانی

واژه کرامت به عزت و بزرگواری معنا شده و اسمی که برای اکرام کردن به کار می‌برند؛ هم چنان‌که در برخی موارد، طاعت جایگزین اطلاعات واقع می‌شود. (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۵، ص ۳۹۶). کرامت انسانی از جمله بنیادی‌ترین مفاهیمی است که در حمایت از ابنای بشر و مقام

انسان مورد توجه ادیان آسمانی، نظام‌های حقوقی، اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و قوانین اساسی کشورها قرار گرفته است؛ به طوری که امروزه آوازه آن، شهرت جهانی یافته و زینت بخش گفتمان‌های حقوق بشر در سطح جهان گردیده است.

اگرچه واژه کرامت، در ادبیات دینی ما وجود داشته است، ولی رایج شدن، آن در اصطلاحات حقوق و انسانی، پس از رواج اصطلاحات مربوط به حقوق بشر است. این واژه، از کلمه «Dignity» در انگلیسی گرفته شده و آن‌چه در متون انگلیسی و نوشته‌های مربوط به حقوق بشر آمده، همین واژه دیگری است که در فارسی از آن به حیثیت، کرامت و یا منزلت انسانی یاد می‌شود. کرامت در لغت معانی مختلفی دارد. مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت (دهخدا، ۱۶۰۷۰) در بررسی جایگاه کرامت انسان در اسلام، باید میان کرامت ذاتی و اکتسابی او تمایز قائل بود. به نظر می‌رسد در دین اسلام بتوان دو نوع کرامت برای انسان یافت. یکی کرامتی جهان‌شمول که صفتی فطری و ذاتی است و از آیه‌ای چون «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» (اسراء (۱۷): ۷۰) مستفاد می‌گردد (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴). این نوع کرامت عام است و همگی انسان‌ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می‌شود و بیان‌گر صفت رحمانیت خداوند است. رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را در بر می‌گیرد. کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان، مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی، از این جمله‌اند (اخوان‌کازمی، ۱۳۸۷، ص ۳). نوع دیگر کرامت انسانی، اکتسابی و غیر ذاتی بوده و مقید به عقیده انسان است و در رابطه انسان با خداوند تعریف شدنی است و از آیه‌ای نظیر «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات (۴۹): ۱۳) قابل برداشت است؛ چرا که در این آیه مبنای کرامت، نه بشریت، بلکه تقوا معرفی شده است. به عبارت دیگر اکتساب کرامت منظور در این آیه، مقید به تقوا است. (عمیدزنجانی و توکلی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴) این نوع کرامت خاص بوده و تنها انسان‌هایی را شامل می‌شود که راه حقیقت را یافته‌اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان‌ها رحمت خاص عطا کرده که غیر مؤمنان از آن بی‌نصیبند. (اخوان‌کازمی، ۱۳۸۷، ص ۳) در اعلامیه جهانی حقوق

بشر جهت جلوگیری از بروز اختلافات عقیدتی میان مردم کشورهای گوناگون، به کرامت ذاتی انسان توجه شد است و در اسلام نیز در کنار کرامت اکتسابی به کرامت ذاتی انسان، توجه شده است. کرامت انسان در اسلام، نه بر مبنای یک امر قراردادی و اعتباری، بلکه بر اساس یک امر هستی شناختی و اصیل، که منشأ آن ذات خلقت بشری است و نیز بر مبنای احکام و فرامین الهی توجیه می‌شود. از جمله این مبانی می‌توان به قدرت اراده و اختیار انسان، آزادی انسان، خلیفه‌الله بودن انسان و وجهه الهی داشتن انسان اشاره کرد. تمام این موارد خاصه انسان است و دیگر موجودات را شامل نمی‌شود و از طرفی هم با فساد و خونریزی و گناه انسان از بین نمی‌رود. بنابراین برای حفظ کرامت اسلامی انسان باید به این مبانی و حقوق توجه کرد و آن‌ها را در هیچ انسانی از بین نبرد. استفاده از سلاح‌های هسته‌ای کرامت و حیثیت انسانی را لگه‌دار کرده و نادیده گرفتن مسلم این اصل است.

### مبانی استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

در ابتدا این بحث و در راستای ممنوعیت تولید و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای، مبانی حقوق بشر در اسلام و استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای به اختصار مورد بررسی و واکاوی اخلاقی و فقهی قرار می‌گیرد.

#### عدالت

عدل و عدالت در لغت به ضد ستم، راستی، سادگی و انصاف معنا شده است. (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۴، ص ۲۷۵). با جمع‌بندی نظریه‌های فقهای اسلامی، می‌توان «عدالت» را به اختصار این‌گونه تعریف کرد: «عدالت عبارت است از رعایت استحقاق‌ها و پرهیز از هرگونه افراط و تفریط در امور» این تعریف نه مفهوم جدید، بلکه شالوده‌ای از مفاهیم ارائه شده از عدالت را ترسیم می‌کند. «عدالت» به عنوان قاعده فقهی از سوی برخی از فقهاء و اندیشمندان معاصر از جمله شهید مطهری مطرح شده است (مطهری، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۳۳۶) از آن‌جا که مهم‌ترین هدف حقوق بشر در اسلام، حمایت از کرامت و عزت انسانی است، عدالت مبنای اصلی همان قواعد محسوب می‌شود و لذا میدان منازعه مسلحانه هم‌چنان که ممکن است بستر بزرگ‌ترین جنایات بشری باشد، می‌تواند صحنه تحقق عدالت و اجرای آن در جنگ نیز باشد و باور به آن می‌تواند حتی در به‌کارگیری و کنترل شیوه‌ها و ابزارهای جنگی وحشیانه و مخوف، نقش کلیدی داشته باشد. این حقیقت را به ویژه در مورد تسلیحات کشتار جمعی می‌توان ملموس درک کرد.

لذا عدالت جامع‌ترین معیار جهان‌شمول است که بر اساس این معیار، نقض قواعد بشردوستانه از سوی هر قدرتی اتفاق بیفتد، مغایر با ارزش‌های انسانی شناخته شده است و از آن‌جا که عدالت، بالنده‌ترین معیار ارزشی پذیرفته شده ملل مختلف جهان در گذشته و حال است، لذا استناد به آن به عنوان مبنای حقوق، می‌تواند بستر مناسبی را برای تعامل کشورها، پابندی آن‌ها به اصول و ترغیب ملت‌ها به هم‌گرایی بین‌المللی در اجرای اسناد بین‌المللی تحدید یا ممنوعیت کاربرد تسلیحات کشتار جمعی، فراهم آورد.

### حق حیات

بی‌تردید حق حیات، نخستین و مهم‌ترین حقی است که اگر اصولی به عنوان حقوق طبیعی اثبات‌شده‌ای باشد، در رأس همه آن‌ها خواهد بود؛ زیرا تا زمانی که این حق برای افراد جامعه‌ای تأمین نشود، جای بحث درباره سایر حقوق نخواهد بود، و اگر این حق نبود، آفرینش بشر لغو بود. انسان، آفریده شده است تا حرکت تکاملی پیدا کند و بدون داشتن این حق، به مقام شایسته‌اش نمی‌رسد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۷۴) از این رو در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام با تأکید و صراحت کم‌نظیر از قتل و کشتار انسان‌ها نهی شده و گناه کشتن یک انسان برابر با کشتن همه انسان‌ها توصیف شده است. از نگاه اسلام، حیات جلوه‌ای محبوب از عظمت خداوندی است که هر کس، هر اندازه توانایی در آماده کردن وسیله ادامه مطلوب آن را داشته باشد و هر اندازه دارای قدرت دفع ضرر از حیات بوده باشد، اعم از حیات خود و دیگران باید اقدام به مقذور نماید و در غیر این صورت، مجرم و مستحق کیفر است. (جعفری، ۱۳۷۰ش، ص ۲۵۵). از قرائن، شواهد و ادله قرآنی و روایی استفاده می‌شود که توجه به مسائل حقوق بشر دوستانه لازم و تعرض به انسان‌های بی‌گناه و غیر محارب، نامشروع و مغایر با اهداف سعادت بخش جهاد فی سبیل الله است. در واقع حق حیات بنیادین‌ترین حق انسانی است و دیگر حقوق پیش‌بینی شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر متوقف بر حق حیات است و دولت‌ها مکلف هستند تمهیدات و اقدامات لازم را در جهت پاسداری از حق حیات تمام شهروندان فراهم کنند و از جمله مفاهیم و مبانی بنیادی حقوق بشر «حق حیات» است، که محترم شمرده شده و کسی نمی‌تواند متعرض آن شود.

### کرامت انسانی

در قسمت توضیح مفاهیم، مفهوم «کرامت» در لغت و اصطلاح تبیین شد. در کتاب نظریه

حقوقی اسلام نیز در تعریف کرامت آمده است: «منظور از کرامت این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه به طور محترمانه زیست کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد». (مصباح یزدی، ۱۳۸۰ش، ص ۲۹۱). در واقع اصل کرامت انسانی از جمله مباحث حقوقی می‌باشد؛ کرامت انسان، ارزش فطری (ذاتی) یا شایستگی هر انسان است که با وجود «هویت» و «ماهیت» انسانی، هر فرد انسانی وجود می‌یابد و به عنوان مبنای فلسفی تمامی «حقوق بشر» شناخته می‌شود؛ اصل کرامت انسان که از آن به عنوان «اصل حیثیت و منزلت انسانی» یا «اصل شرافت یا عزت انسانی» یاد می‌شود؛ در نگاهی جامع و با عنایت به دیدگاه‌ها و مطالب توضیحی فوق، می‌توان کرامت انسانی را به عنوان یکی از مبانی حقوق بشردوستانه، این‌گونه تعریف کرد: «کرامت انسانی، عبارت است از: شرافت و احترامی که انسان‌ها به لحاظ بهره‌مندی از توانایی‌ها و شایستگی‌های بالفعل یا بالقوه از آن برخوردارند، آن‌گونه که این جایگاه انسانی در یک فرایند تشکیکی به تناسب عملکرد او می‌تواند تعالی یا تنازل یابد». در این تعریف دونگته اساسی قابل توجه است؛ نخست این‌که همه انسان‌ها از مرتبه‌ای از مراتب کرامت انسانی برخوردارند، موحد و غیرموحد، (ر.ک: جوادی‌آملی، ۱۳۹۸ش، ج ۹، ص ۵۰) دیگر این‌که همه انسان‌ها در برخورداری از کرامت، یکسان نیستند، چون مراتب کرامت انسان‌ها از کرامت طبیعی که به لحاظ دمیده شدن روح الهی در انسان و برخورداری از استعدادها و عقلی تا کرامت ملکوتی که متعلق به خلیفه الهی و برترین کرامت است، امتداد می‌یابد. تبیین درست منشأ و خواستگاه کرامت انسان، بیشتر از آن حیث دارای اهمیت است که این موضوع ضمن این‌که نقطه اشتراک نظری دانشمندان اسلامی و غربی محسوب می‌شود، بیان‌کننده نقطه افتراق دیدگاه آنان نیز هست؛ یعنی نقطه اشتراک آن‌ها می‌تواند نقطه امتیاز نیز باشد، چرا که ممکن است هر گروهی مفهوم خاصی از آن انتزاع نماید. منشأ و خواستگاه کرامت انسان در حقوق اسلام، عقل و هم‌چنین دمیده شدن روح الهی در اوست.

با عنایت به آیات و روایات بسیاری که برای اختصار از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود، هم‌چنین دیدگاه اندیشمندان اسلامی، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که همه انسان‌ها بدون لحاظ خصوصیات خاص یا فضائل معنوی مکتسبه، بلکه انسان بما هو انسان، متعلق تکریم الهی بوده و از کرامت ذاتی برخوردارند؛ و اصل کرامت انسانی را می‌توان به‌عنوان قاعده «تکریم‌الانسان» در حقوق بشر اسلامی به‌کار برد.

## ادله استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح هسته‌ای

حقوق اسلامی از آن جایی که سعی دارد در فتاوا، روشی را اتخاذ نماید که به قول قرآن و معصوم علیه السلام نزدیک شود، از این رو فتاوا در فقه اسلامی، هماهنگ با اندیشه‌های فطری و اخلاقی، می‌باشد، در ادامه این ادله مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرد:

### آیات قرآن کریم

#### آیات دال بر ممنوعیت قتل

﴿مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا﴾ (مانده (۵): ۳۲)؛  
 ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾ (انعام (۶): ۱۶۴)

آیه اول به مفهوم اولویت دلالت می‌کند بر این‌که وقتی کشتن یک انسان محترم از منظر خداوند متعال به منزله کشتن تمام انسان‌هاست پس به طریق اولی کشتن اهالی یک شهر یا کشور که بالبداهه در آن انسان‌های بی‌گناه هم خواهد بود، از منظر خداوند بسیار قبیح خواهد بود و خدا به آن راضی نیست و آیه دوم بالمنطوق می‌رساند که کسی نبایستی قربانی شرارت و گناه شخصی دیگر باشد و به مفهوم اولویت می‌رساند که نباید هزاران انسان را به خاطر گناه چند شخص قربانی کرد و هرکس مسئولیت اعمال خویش را شخصاً برعهده دارد.

#### نهی از سعی در افساد زمین

به‌کارگیری سلاح هسته‌ای منطبق با این آیه می‌باشد: ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ﴾ (بقره (۲): ۲۰۵). در پیش گرفتن هر مسیری که در نهایت به فساد بر روی زمین ختم گردد، مصداق سعی بر فساد و موضوع این قاعده است و در نتیجه محکوم به حرمت خواهد بود. مطالعات استراتژیک نشان می‌دهد که انباشت سلاح‌های هسته‌ای، گامی به سوی بهره‌گیری از آن‌ها است. همین مطالعات بیان‌گر آن است که به محض نخستین بهره‌گیری از این سلاح‌ها، بهره‌گیری‌های بعدی به‌گونه‌ای پیوسته و در قالبی کنترل‌ناپذیر سبب شعله‌ور شدن آتش جنگی می‌گردد که نتیجه آن تحقق فساد بسیار پر دامنه در زمین است. قرآن کریم در این آیه سخن از «سعی منتهی به فساد در حرث و نسل» به میان آورده است. به تعبیر دیگر، حرمت را بر روی این عنوان برده است.

#### آیه تناسب در مجازات

آیه‌ای که تناسب در مجازات را بیان می‌کند: ﴿فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا



اعْتَدَى عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ (بقره: ۱۹۴). این آیه می‌تواند از مهم‌ترین آیات، راجع به حرمت استفاده از ابزارهای کشتار جمعی به حساب آید.

### روایات

#### روایات شیعه

عموم و اطلاق روایاتی که از اهل بیت علیهم‌السلام در مورد نهی جنگ‌جویان مسلمان، از کشتن افراد غیر نظامی، تخریب خانه‌ها، مزارع و کشتن حیوانات، پخش سموم به محل مسکونی دشمن و... رسیده‌است، دلالت بر منع از سلاح کشتار جمعی می‌کند:

الف: «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله صلى الله عليه وآله إذا أراد أن يبعث سرية دَعَاهُمْ فَأَجْلَسَهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ ثُمَّ يَقُولُ سِيرُوا بِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَا تَغْلُوا وَلَا تَمْثَلُوا وَلَا تَغْدُرُوا وَلَا تَقْتُلُوا شَيْخًا فَانِيًّا وَلَا صَبِيًّا وَلَا امْرَأَةً وَلَا تَقْطَعُوا شَجَرًا إِلَّا أَنْ تَضْطَرُّوا إِلَيْهَا...» (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۱۳۸-۱۳۹) «پیامبر اسلام وقتی اراده می‌کرد که جنگی را با دشمن انجام دهد سپاه خویش را دور هم جمع می‌کرد و می‌فرمود حرکت کنید با نام خدا و در راه خدا و بر دین خدا پس زیاده‌روی نکنید و مثله نکنید و عهد نشکنید و پیر فرتوت و کودک و زنان را نکشید و درختی را قطع نکنید، مگر این‌که مضطر به آن شوید.»

ب: «عن أبي عبد الله عليه السلام قال: إن النبي صلى الله عليه وآله كان إذا أراد أن يبعث أميراً عَلَى سَرِيَةٍ أَمَرَهُ بِتَقْوَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي خَاصَّةِ نَفْسِهِ ثُمَّ فِي أَصْحَابِهِ عَامَةً ثُمَّ يَقُولُ أُغْزُوا بِسَمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ قَاتِلُوا مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ وَلَا تَغْدُرُوا وَلَا تَغْلُوا وَلَا تَمْثَلُوا وَلَا تَقْتُلُوا وَلِيداً» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵، ص ۲۹ و ۳۰؛ حرّعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۷۹)؛ «پیامبر وقتی که امیری را برای جنگی انتخاب می‌کرد همیشه او را به رعایت تقوای الهی در مورد خودش و بقیه سپاهیان امر می‌کرد، بعداً می‌فرمود: بجنگید با نام خدا و در راه خدا و کسانی را که کفر ورزیدند را بکشید اما عهد نشکنید و زیاده‌روی نکنید و مثله نکنید و کودکی را نکشید.»

#### روایات اهل سنت

الف: عن خالد بن الفزr حدثني أنس بن مالك أن رسول الله صلى الله عليه وآله قال: انطلقوا باسم الله وعلى ملة رسول الله لا تقتلوا شيخاً فانياً ولا طفلاً ولا صغيراً ولا امرأة ولا تغلوا وضموا غنائمكم وأصلوا

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ النَّهْيُ» (بيهقي، ج ۹، ص ۹۰، ر.ک: ابن ابی شیبه، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۶۵۴؛ ابن عبدالبر، ۲۰۰۰، ج ۵، ص ۳۲-۳۳؛ ابن عبدالبر التمهید، ۱۳۸۷، ج ۲۴، ص ۲۳۲).

«با نام خدا و بر مبنای دین خدا اسیران را آزاد کنید و پیر فرتوت و طفل و صغیر و زن را نکشید و زیاده روی نکنید طوری که به غنایم جنگی شما افزوده شود و محبت کرده و نیکی کنید چرا که خداوند محسنین را دوست دارد.»

ب: «عن سليمان بن بريدة عن أبيه قال قال كان رسول الله ﷺ إذا أمر أميراً على جيش أو سرية أوصاه في خاصته بتقوى الله ومن معه من المسلمين خيراً ثم قال اغزوا باسم الله في سبيل الله قاتلوا من كفر الله اغزوا ولا تغلوا ولا تغدروا ولا تمثلوا ولا تقتلوا وليدًا. وإذا لقيت عدوك من المشركين فادعهم إلى إحدى ثلاث خصال» همیشه وقتی پیامبر اسلام امیری را به جنگی امر می فرمود او را در مورد خودش و سپاهش به رعایت تقوای الهی وصیت می فرمود، بعد می فرمود با نام خدا و در راه خدا بجنگید و کسانی را که کفر می ورزند را بکشید و زیاده روی نکرده و عهد نشکنید و مثله نکرده و بچه ای را نکشید». (همان) که مضمون این روایت شبیه به امامیه نقل گردید.

#### تحلیل آیات و روایات

طبق این آیات و روایات می توان نتیجه گرفت که اصل اولی در تجاوز، کشتن، اذیت و آزار دیگران حتی غیر مسلمان «حرمت» است. از این اطلاق و عموم، موارد خاص با تخصیص و تقیید خارج شده است. اگر در موردی شک داشته باشیم که با تخصیص و یا تقیید خارج شده، مثلاً شک کنیم استفاده از سلاح های کشتار جمعی در جنگ جایز است یا نه، مرجع ادله اولیه است. اصولی هم چون منع اقدام به جنگ به قصد انتقام جویی، منع آغاز به جنگ نمودن، منع مثله کردن کشته های دشمن، منع نقض عهد و پیمان های جنگی، منع کندن و سوزاندن درختان و مزارع، منع اسارت پیش از اتمام حجت که مستخرج از منابع قرآنی و روایی فوق الذکر و مانند آن می باشد، می تواند در جهت تبیین مبانی فقهی حرمت به کارگیری ابزار جنگی غیر متعارف هسته ای و میکروبی مورد استدلال قرار گیرد.

#### قاعده اثم

براساس این قاعده اگر اثم یعنی گناه و زشتی و پلشتی در عملی از نفع و سود آن عمل بیشتر و بزرگ تر باشد، تحریم می گردد. سلاح های هسته ای مصداق اثم این قاعده است. این سلاح ها به وضوح،

اِثمی بزرگ‌تر از نفع دارند. تصور درگیر شدن بشر در نبرد هسته‌ای آن چنان دهشت‌انگیز است که جایی برای تشکیک در کاربرد قاعده مورد اشاره باقی نمی‌گذارد. تشخیص پلشتی و زشتی بهره‌گیری از سلاح‌های هسته‌ای به حکم عاقلان و خوردن مهر تأیید از سوی وجدان آدمی مسلم است.

تولید و گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز حکمی مشابه دارد، زیرا افزایش این سلاح‌ها به تدریج فرایندی تصاعدی خواهد یافت و به شیوه‌ای پیوسته به تکرار این وضعیت خواهد انجامید. این مسابقه خطرناک که منطقی تصاعدی بر آن حکم می‌راند، اِثمی را سبب می‌شود که بی‌هر سخنی، بیشتر از منافع احتمالی برخوردار از این سلاح‌ها است.

آیه ﴿إِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا﴾ (بقره (۲): ۲۱۹) «اگرچه در ارتباط با خمر و میسر» وارد شده، ولی در واقع یک قاعده است و قابل تطبیق در هر مورد که بزرگ‌تر بودن اِثم در آن احراز شود. در ارتباط با خمر و میسر، شارع مقدس خود بزرگ‌تر بودن اِثم را اعلام نموده، ولی در ارتباط با سلاح اتمی، تمام عقلای جهان بر نهفتگی فساد بزرگ در آن اتفاق نظر دارند. به‌واقع همه معتقدند که فساد نهفته در سلاح اتمی، فساد ذاتی و حداکثری است و از این ره‌گذر احراز موضوع قاعده شکل می‌گیرد.

#### قاعده لاضرر

قاعده «الْأَضَرَّ وَ لَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۳۷) که مفاد آن ممنوعیت وارد کردن خسارت، بدون جهت یا با تعدی و تفریط بر دیگران، می‌باشد، مقرر می‌دارد ما حق نداریم ضرر غیر قابل جبران و کنترل نشده‌ای را به بهانه دفاع بر دیگران وارد کنیم، متقابلاً این مسئله در حقوق بین‌الملل از «اصول کاردینال» (نعمت الهی، ۱۳۷۹ش، ص ۳۱) شمرده می‌شود، بدیهی است که به‌کارگیری سلاح هسته‌ای باعث می‌شود، ضررهای غیرقابل جبران، بر انسان‌ها و طبیعت وارد شود. بررسی نحوه دلالت مفهومی روایات، بر منع از تولید و به‌کارگیری جنگ‌افزارهای کشتار جمعی

#### روایات دال بر حرمت مسموم کردن محل سکونت دشمن

«عن سکونی، ان النبی ﷺ نهی ان یلقى السّم فی بلاد المشرکین» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۴۳) رسول خدا ﷺ از سم پاشیدن در مناطق مشرکان نهی کرده است.

#### بحث دلالی

به نظر می‌رسد، منع و نهی در این روایات هرچند در مورد سم وارد شده است، لکن ملاک نهی

اختصاص به سم ندارد، بلکه شامل هر گونه سلاح‌های کشتار جمعی می‌شود، زیرا فرقی میان مسموم کردن آب و یا هوا و یا زمین با، استفاده از دیگر سلاح‌های غیر متعارف، نیست، زیرا اگر استفاده از سم که به منطقه محدودی آسیب می‌رساند حرام باشد، استفاده از بمب اتم و سلاح شیمیایی به طریق اولی حرام است، هم‌چنین این مورد، از احکام توصلی است. لذا می‌توان از آن الغای خصوصیت کرد و به ابزارهای کشتار جمعی که همانند سم بلکه در حد بیشتری سبب نابودی می‌شود، سریان داد.

### فتاوی فقهاء در مورد منع از القاء سم، در جنگ

بسیاری از فقهای عظام، پاشیدن سم در مناطق جنگی و غیر جنگی را حرام دانسته‌اند. به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. شیخ طوسی در کتاب «النهاية» می‌نویسد: «فانه لا یجوزُ أن یلقی فی بلادهم السمَّ» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۵۱)؛ همانا به تحقیق جایز نیست در مناطق کفار سم پاشیده شود.
۲. ابن ادریس می‌فرماید: «یجوز قتال الکفار بسائر أنواع القتلِ واسبابه الا بتفریق الساکن و زمیهم بالغیران والقاء سم فی بلادهم فانه لا یجوزُ أن یلقى السمَّ فی بلادهم» (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۷)؛ کشتن کفار با سایر انواع قتل و اسبابش جایز است اما بایستی ساکنین که قصد جنگ ندارند را از جنگ جویان جدا ساخت و در میان آن‌ها سم القاء نکرد چرا که در بلاد آن‌ها القاء سم جایز نیست.
۳. ابن زهره در این باره می‌نویسد: «فانه لا یجوزُ أن یلقی فی ديارهم القاء السم ولا یقاتل فی اشهر الحرام فی من یری لها حرمة من الکفار إلا أن یبدأوا فیها بالقتال» (ابن زهره، بی‌تا، ۲۰۱)؛ در بلاد کفر القاء سم جایز نیست و نباید در ماه‌های حرام با آن‌ها مقاتله نمود البته نسبت به کسانی که حرمتی برای این ماه‌ها قائل هستند مگر این که در چنین ماه‌هایی آن‌ها شروع کننده به جنگ باشند.
۴. بسیاری از مراجع تقلید معاصر نیز در استفتائاتی که از آن‌ها شده است به کارگیری ابزارهای جنگی غیر متعارف را در جنگ حرام دانسته‌اند. (مکارم شیرازی، ۱۳۵۴، ج ۲، ص ۱۹) حتی تهدید دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی از نظر اکثر فقهاء و مقام معظم رهبری ممنوع است. مقام معظم رهبری نیز باصراحت تولید و استفاده از سلاح هسته‌ای و انواع دیگر سلاح‌های کشتار جمعی همانند سلاح‌های شیمیایی و میکروبی را حرام می‌دانند؛ این فتاوی تاریخی در تاریخ ۲۱ آذر ۱۳۸۹ صادر شده است. بر اساس روایات معتبره و فتوای فقهای گذشته و استفتاء از مراجع معاصر نیز، استفاده از ابزارهای جنگی غیر متعارف حرام است، چون مصداق مسموم کردن مناطق جنگی است.

### روایات ناظر بر منع استفاده از تسلیحات آتش‌زا در جنگ

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام قال ان النبی صلی الله علیه و آله و سلم کان اذا بعث امیراً له علی سرّیه امره ... ولا تقطعوا شجرة مُثمرة ولا تحرقوا زرعاً» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۴۳) "در این روایت پیامبر از سوزاندن نخل‌ها در جنگ منع می‌کند."

۲. عبدالله ابن مسعود عن ابیه قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم لا تعدّوا بالنار لا یعدّب بالنار الا ربّها» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۴۳) "از طریق سوزاندن کسی را عذاب ندهید، چرا که فقط خدای آتش، با آتش کسی را عذاب می‌دهد."

### نظریه‌های فقهای شیعه و اهل سنت در مورد ممنوعیت استفاده از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی

#### فقهای شیعه

ایشان بر اساس آیه اعتدا و روایات فراوان تصریح کرده‌اند، استفاده از ابزارهای جنگی موجب کشتار جمعی، حرام است و بایستی اصل تفکیک و اصل تناسب رعایت شود که در هر حال سلاح‌های هسته‌ای و مانند آن به هیچ وجه نمی‌توانند آن اصول را رعایت کنند و علاوه که باعث خسارت‌های جبران‌ناپذیر برای طبیعت و بشریت می‌باشد. به مواردی از آن فتاوا، اشاره می‌شود:

۱. شیخ طوسی: «ولا یجوز قتل النساء. فان قاتلن المسلمین وعاون أزواجهنّ ورجالهنّ، أمسک عنهنّ. فان اضطروا إلى قتلهنّ، جاز حينئذ قتلهنّ، ولم یکن به بأس» (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۲۹۲)؛ اجازه ندهید که زنان مشرکین به شوهرانشان در جنگ علیه مسلمین کمک کنند اما اگر مضطر شدید می‌توانید زنانشان را بکشید.

۲. ابن البراج: «ولا یجوز قتل النساء وإن قتلن مع أهلهنّ، إلا أن یدعو إلى قتلهن ضرورة، وإن دعت ذلك ضرورة لم یکن به بأس» (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۳۰۳)؛ تا ضرورت اقتضا نکرد از کشتن زنان در جنگ بپرهیزید.

۳. علامه حلی: «لا یجوز قتل المجانین، ولا الصبیان، ولا النساء منهم وإن أعن مع الحاجة» (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۴۸۶)؛ در جنگ کشتن مجانین، بچه‌ها، زنان از مشرکین جایز نیست، مگر این‌که ضرورت اقتضا کند.

## فقه‌های مذاهب اهل سنت

### حنفی‌ها

موصلی از فقهای حنفی: «ولا یقتلوا مجنوناً، ولا امرأً ولا صبیاً، ولا أعمی، ولا مقعداً، ولا مقطوع الیمین، ولا شیخاً فانیاً» (موصلی الحنفی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۲۸) «نباید در جنگ با دشمنان دین، مجنون، زن، بچه، کور، زمین‌گیر، دست بریده و پیر ناتوان را بکشید.»

### شافعی‌ها

«ولا یجوز قتل نساءهم ولا صبیانهم إذا لم یقاتلوا لما رُوی ابن عمر رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ نهی عن قتل النساء والصبیان ولا یجوز قتل الخنثی المُشکل، لانه یجوز أن یرجلاً ویجوز أن یرجلاً فیکون امرأة فلم یقتل مع الشک» (نووی، بی تا، ج ۱۹، ص ۲۹۵)؛ به خاطر نهی رسول اکرم از کشتن ناتوانان نباید زنان و بچه‌ها را کشت و هم‌چنین کشتن خنثی نیز جایز نیست، چرا که هنگام شک در مرد بودن و زن بودن خنثی باید احتیاط کرده و او را نکشت.

### حنبلی‌ها

ابن قدامة از فقهای حنبلی: «ولا تقتل امرأة ولا شیخ فإن وبذلك قال مالک وأصح الرأی، وروی ذلك عن أبی بکر الصدیق و مجاهد. وروی عن ابن عباس فی قوله تعالی (ولا تعتدوا) یقول لا تقتلوا النساء الصبیان والشیخ الکبیر» (ابن قدامة، بی تا، ج ۱۰، ص ۵۴۱ و ۵۴۴)؛ ابن عباس در تفسیر آیه صد و نود بقره گفته است که کشتن زنان و بچه‌ها و پیرمردها جایز نیست.

### مالکی‌ها

ازهری از فقهای مالکی: «ولا یقتل النساء ولا الصبیان لما صح من نهیه علیه الصلاة والسلام عن قتلهم» (الأزهری، بی تا، ص ۴۱۴)؛ روایت صحیح‌ه‌ای از پیامبر اکرم ﷺ در مورد نهی از کشتار کودکان و زنان وجود دارد و لذا این کار حرام است.

از مجموع مباحثی که تحت عنوان مقتضای اصل اولی و حرمت مسموم کردن مناطق مسکونی مشرکان و حرمت به کارگیری ابزارهای آتش‌زاد در جنگ صورت گرفت، با تنقیح مناط و وحدت ملاک گرفتن به این نتیجه قطعی و مسلم می‌توان رسید که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، از نظر فقهای مذاهب اسلامی، حرام و ممنوع است.

## جنگ اخلاقی و جوانمردانه

امروزه در فضای حقوق بین الملل از جنگی که در آن، اصول انسانی رعایت شود، به عنوان جنگ اخلاقی *just war* یا *moral war* (مدنی، ۱۳۵۲ش، ص ۱۷) بحث می‌شود و در مقابل از آموزه‌های فراوان اسلامی، اصل جنگ جوانمردانه و رعایت اخلاق انسانی در جنگ را، به وضوح می‌توان به دست آورد، مخصوصاً در متون اسلامی فروعاً زیادی در این باره وجود دارد مانند این که، در جنگ اگر دشمن اسیر ما را کشت ما حق نداریم اسیر او را بکشیم. اگر کشته‌های ما را مثله کرد، ما حق نداریم کشته‌های او را مثله کنیم و مواردی از این قبیل. در جریان هاییل و قابیل که قرآن مطرح کرده‌است، هاییل به برادرش می‌گوید: ﴿لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ﴾ (مائده (۵): ۲۸) «من دست به برادر کشی نخواهم زد ولو این که تو دست بلند کنی و خواسته باشی مرا بکشی» هاییل نمی‌گوید که تو را نمی‌کشم بلکه می‌گوید، اگر تو قصد مجرمانه (قتل) داری، من قصد قتل ندارم (یعنی دفاع می‌کنم اما جنگ نمی‌کنم)، این یعنی حاکمیت اخلاق، هم‌چنین عاشورا، که سراسر شور و شعور می‌باشد و هم به تمام معنا مبارزه با ظلم بوده و هم با تمام وجود ایثار و گذشت را تجلی می‌دهد، بیانگر اصل ظلم‌ستیزی و رعایت اصول اخلاق دارد، آیا حضرت اباعبدالله علیه السلام نمی‌توانست آن موقع که هنوز لشکر دشمن نرسیده بود، آب را ببندد؟! یا مسلم بن عقیل نمی‌توانست از پشت دشمن را بزند، این‌ها همه اخلاق جنگ و سیره امام در جنگ را یاد می‌دهد، که از اقدام علیه انسانیت و کارهای غیر اخلاقی نهی می‌کردند.

## بحث و نتیجه‌گیری

در این نوشتار مبانی و ادله استفاده از جنگ افزارهای کشتار جمعی و سلاح‌های هسته‌ای مورد واکاوی فقهی و اخلاقی قرار گرفت و مقتضای اصل اولی، در حرمت یا جواز استفاده از سلاح هسته‌ای بررسی شد و به این نتیجه قطعی و مسلم می‌توان رسید که استفاده از سلاح‌های غیر متعارف هسته‌ای، میکروبی و شیمیایی، در انواع مختلف آن، یک جرم عام و اقدام علیه انسانیت و کرامت انسانی است و از نظر فقهای مذاهب اسلامی حرام بوده و ادله‌ای از قرآن و روایات بیان شد. بنابراین در تعالیم اسلامی و اخلاقی، آیات و روایات، مستندات در زمینه سلاح‌های کشتار جمعی در قالب مؤلفه‌هایی وجود دارد که همگی بر منع کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی دلالت دارند. در این حکم

یعنی ممنوعیتِ کاربستِ تفاوتی در میان آرای مذاهب اسلامی وجود ندارد. حتی با وجود به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی از سوی دشمن باز هم مسلمانان به کاربست سلاح‌های کشتار جمعی مجاز نیستند و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی در هر صورت، اقدام علیه انسانیت محسوب می‌شود. حتی تهدید (نه به‌کارگیری) دشمن با سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام و اخلاق ممنوع است. آنچه از نظر فقهای اسلام منع شد، تولید، نگهداری و به‌کارگیری سلاح کشتار جمعی بود، که برای رسیدن به صلح پایدار در جهان، التزام به منع استفاده از آن یکی از اصول مسلم در اسلام و حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود. افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدید جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند، که باید توسط مجامع اسلامی و بین‌المللی جلوی حتی تولید آن‌ها گرفته شود.



## منابع

١. قرآن كريم.
٢. نهج البلاغه، سيدرضى، (١٤١٥ق)، بيروت، دارالاسوه.
٣. ابن اثير، ابوالسعدات محمد جزرى، (١٣٦٤ش)، النهاية، تحقيق طاهر الزاوى، مؤسسه مطبوعاتى اسماعيليان.
٤. ابن ادريس الشافعى، ابو عبدالله محمد، (١٤٣٢ق)، كتاب الأم، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، الطبعة الثانية.
٥. ابن البراج القاضى، (١٤٠٦ق)، المهذب، اشرف: جعفر السبحانى، قم، مؤسسة النشر الاسلامى.
٦. ابن قدامة المقدسى، عبدالرحمن، (بى تا)، الشرح الكبير، بيروت، دارالكتاب العربى للنشر و التوزيع.
٧. ابن قدامة، عبدالله بن احمد، (الف)، المغنى، بيروت، دارالكتاب.
٨. ابن قدامة الجماعيلى المقدسى، عبدالله بن احمد بن محمد، (بى تا)، الكافى، على اصغر مرواريد، دارالتراب.
٩. ابن منظور، (١٩٩٧م)، لسان العرب، بيروت، دارصادر.
١٠. ابومخنف، (١٣٧٨ش)، مقتل الحسين، مؤسسه مطبوعاتى دارالكتب، چاپ دوّم.
١١. ابى الأزهرى، (بى تا)، الثمر الدانى، بيروت، المكتبة الثقافيه.
١٢. احمد بن حنبل، (بى تا)، مسند احمد، بيروت، دارصادر.
١٣. اخوان كاظمى، بهرام، (١٣٨٧ش)، «كرامت انسانى در دولت مهدوى»، ١٣٨٧/٠١/٢٩.
١٤. أصبهانى، ابونعيم، (١٤١٥ق)، مسند ابى حنيفة، تحقيق، نظر محمد الفاريابى، الرياض، مكتبة الكوثر.
١٥. امام خمينى، روح الله، (١٣٩٠ش)، صحيفه امام، ج ٢١، تهران، مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خمينى.

۱۶. بیهقی، احمد بن الحسین، (بی تا)، السنن الكبرى، دارالفکر.
۱۷. جعفری، محمد تقی، (۱۳۷۰)، حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین المللی.
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۸)، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
۱۹. حر عاملی، محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسایل الشیعة، قم، احیاء التراث، الطبعة الاولى.
۲۰. حلی ابن ادریس، (۱۴۱۰ق)، السرائر، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسین.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
۲۲. راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت، دار القلم.
۲۳. ساعد، نادر، (۱۳۸۶)، حقوق بشر دوستانه و سلاح های هسته ای، تهران، شهردانش.
۲۴. شهید الاول، محمد بن مکی العاملی، (۱۴۱۷ق)، الدروس، قم، جامعة المدرسین، الطبعة الثانية.
۲۵. شهید الثاني، زیدالدين علی بن احمد العاملی، (۱۴۱۳ق)، المسالك الافهام، مؤسسه المعارف.
۲۶. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن احمد، (۱۴۱۵ق)، المعجم الاوسط، بیروت، دارالحرمین للطباعة و النشر و التوزیع
۲۷. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد، (۱۴۱۷ق)، مسند الشامین، بیروت، مؤسسة الرسالة، الطبعة الثانية.
۲۸. طبرانی، ابوالقاسم سلیمان بن محمد، (بی تا)، المعجم الصغیر، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۲۹. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۰ق)، النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی، بیروت، دارالکتب العربی.
۳۰. عبدی و هاشمی، حسن و محمد جواد، (۱۳۹۷ش)، بررسی تحلیلی مفهوم سلاح های کشتار جمعی، فصلنامه سیاست، دوره ۴۸، شماره ۳.

۳۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۴۳ق)، منتهی المطلب، مطبعة الحاج أحمد آغا، الطبعة الأولى.
۳۲. علامه حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۲۱ق)، تلخیص المرام، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الأولى.
۳۳. علامه حلی، (۱۴۱۱ق)، ارشاد الاذهان، قم، مؤسسة النشر الاسلامی التابعة لجامعة المدرسين.
۳۴. علامه حلی، (۱۴۱۳ق)، قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام، قم، جماعة المدرسين، الطبعة الأولى.
۳۵. عمیدزنجانی و توکلی، عباسعلی و محمد مهدی، (زمستان ۱۳۸۶)، «حقوق بشر اسلامی و کرامت ذاتی انسان در اسلام»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوص (حقوق سابق)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۷، شماره ۴.
۳۶. فیروزآبادی شیرازی، (۱۴۲۴ق)، المذهب فی فقه الامام الشافعی، بیروت، دارالمعرفة، الطبعة الاولى.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی ابن شاه محمود، (۱۴۰۶ق)، الوافی، اصفهان، مکتبة امیر.
۳۸. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، الکافی، طهران، دارالکتب الاسلامیه، الطبعة الرابعة.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء.
۴۰. محدث نوری، میرزا حسین، (بی تا)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مشهد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۱. محقق حلی، جعفر بن محمد، (۱۴۱۲ق)، شرائع الاسلام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۴۲. محقق کرکی، علی بن الحسین، (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد، قم، احیاء التراث، الطبعة الثانية.
۴۳. مدنی، سید جلال، (۱۳۵۲ش)؛ خلع سلاح و سازمان ملل متحد، تهران، نشر

خواندنی‌ها.

۴۴. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۰)، نظریه حقوقی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۴۵. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳)، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا.
۴۶. مکارم شیرازی، همکاران، (۱۳۵۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۴۷. موصلی الحنفی، الامام عبدالله بن محمودبن مودود، (۱۴۱۹ق)، الاختیار، بیروت، دارالکتب، الطبعة الاولى.
۴۸. نعمت اللهی، همایون، (۱۳۷۹ش)، واژه‌نامه سیاسی، تهران، عباسی.
۴۹. نووی، یحیی بن شرف، (۱۴۱۴ق)، الاذکار النرویة، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر و التوزیع.
۵۰. نووی، یحیی بن شرف، (بی‌تا)، المجموع، بیروت، دارالفکر.